

The effects of students' attitudes toward the teacher skills and the content of the textbooks in their learning rate

Nowrooz Haddad Nia, Reza Yousefi Sa'd Abadi, Vahid Fallah, Siroos Haddad Nia

¹High school teacher, Fars, Iran

^{2,3}Sari Branch, Islamic Azad University, Mazandaran, Iran

⁴Fars Noor Abbad Branch, Islamic Azad University, Fars, Iran

تأثیر اعتماد یادگیرنده نسبت به اثربخشی معلم و محتوای مورد تدریس بر میزان یادگیری او

نوروز حداد نیا^۱، رضا یوسفی سعد آبادی، وحید فلاح، سیروس حداد نیا

^۱ دبیر آموزش و پرورش استان فارس، ایران

^{۲,۳} واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، مازندران، ایران

^۴ واحد نور آباد فارس، دانشگاه آزاد اسلامی، فارس، ایران

Abstract

This study was a prospective, quasi-experimental research. The aim of the present study was to investigate the effects of students' attitudes toward the teacher skills and towards the content of the textbook in their learning rate. This study was consisted of three parallel experiments. They were selected from the population of 4,200 students, randomly from a school with 250 students. They were randomly selected 120 students aged from 12 to 16 years. The sample size was determined by using the Morgan Cochran formula. The students were randomly divided into six groups of 20 subjects. Initially, the students were pre-tested. Both groups were taught the same content in the same room. The procedure was recorded by video. They were taken immediately after the test. The questions, which have written by using a two-dimensional table, were used to determine the credibility of the expert. In order to determine the reliability, validity and reliability, the split-half method of reliability was used. The pre-test and post-test scores were studied. The t-test was used in each experiment to compare the mean scores of the experimental and control groups. Differences were significant. Attitudes of the students and teachers to teach the content, the learning was effective.

Keywords: Perception, Learning, Student attitude, Teaching content, Teaching effectiveness

چکیده

پژوهش حاضر از نوع شبه تجربی آینده نگر، و با هدف بررسی تأثیر نگرش دانش‌آموزان به مهارت‌های معلم و محتوای درسی، در یادگیری آنها بوده است که از ۳ آزمایش همزمان تشکیل شده است. برای این منظور، از بین ۴۲۰۰ نفر دانش‌آموز، با روش خوشه‌ای تصادفی، مدرسه‌ای ۲۵۰ نفری انتخاب و از میان دانش‌آموزان این مدرسه ۱۲۰ نفر از آنان سنین ۱۲ تا ۱۶ سال به شیوه تصادفی انتخاب گردید. تعیین حجم نمونه از طریق فرمول کوکران و همچنین جدول مورگان صورت گرفت. دانش‌آموزان به طور تصادفی به ۶ گروه ۲۰ نفره تقسیم شدند. سپس هر ۲ گروه در یک آزمایش قرار گرفتند. در ابتدا، از همه آنها در شرایط یکسان پیش‌آزمون به عمل آمد. سپس هر گروه در یک اتاق درس قرار گرفتند و به هر گروه نگرش خاصی القا گردید. پس از آن، یک مطلب درسی واحد جدید برای همه گروه‌ها در شرایط یکسان تدریس شد. این عمل به کمک فیلم ضبط شده صورت گرفت و بلافاصله از آنها پس‌آزمون به عمل آمد. برای تهیه سؤالات آزمون‌های معلم ساخته از جدول دو بعدی مشخصات استفاده شد. جهت تعیین روایی از نظرات صاحب نظران و به منظور تعیین پایایی روش‌های پایایی مصحح و پایایی دو نیمه کردن مورد استفاده قرار گرفت. پس از آن نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه‌ها بررسی و نمرات نهایی آنها پس از مشاهده فیلم آموزشی محاسبه گردید و از آزمون تی برای مقایسه میانگین نمرات گروه‌های کنترل و آزمایش هر آزمایش، استفاده شد. نتیجه کلی حاکی از معنادار بودن تفاوت بین دو گروه و مؤثر بودن نوع نگرش دانش‌آموزان به معلم و به محتوای مورد تدریس، در یادگیری آنها بود.

واژگان کلیدی: نگرش، یادگیری، اعتماد به معلم، محتوای تدریس، تدریس اثربخش

مقدمه

هدف از آموزش و پرورش در هر جامعه‌ای، یادگیری است. بدین منظور، همه ساله بخش عظیمی از بودجه هر کشور در این راه صرف می‌شود. در مورد کشور ایران نیز بودجه‌های هنگفتی در این زمینه خرج می‌شود، اما بخش‌های عظیمی از آن به دلیل افت تحصیلی به هدر می‌رود. پس باید موانع و مشکلات و عوامل مخل‌یاددهی یادگیری را شناسایی و حذف نمود و عوامل تأثیر گذار و بسترها را فراهم کرد. بدیهی است که شناسایی این عوامل تنها به عهده پژوهشگران و صاحب نظران عرصه تعلیم و تربیت است. عوامل بسیاری در امر یادگیری دخیل است، اما هدف محققان در این مطالعه این است که به بررسی چگونگی تأثیر نگرش دانش‌آموزان به مهارت‌های معلم و محتوای درسی، در یادگیری آنها بپردازند. به طور آشکارتر، این که اگر نگرش یک دانش‌آموز را نسبت به ویژگی‌های معلم خود تغییر دهیم در یادگیری او چه تأثیری خواهد گذاشت؟ یا این که اگر نگرش یک دانش‌آموز را نسبت به منابع و محتوای مورد تعلیم، تغییر دهیم در یادگیری او چه اثری دارد؟ و یادگیری دانش‌آموزانی که به معلم خود و محتوای مورد تعلیم، اعتماد و نگرش مثبت دارند، نسبت به سایرین چگونه است؟ یادگیری را تغییر مستمر و نسبتاً پایدار در عملکرد فعلی یا عملکرد بالقوه آدمی بر اثر تجربه و تعامل وی با جهان پیرامون خود تعریف کرده‌اند (Driscoll, 2000). در همین راستا، از دیدگاه روان‌شناسی، توجه به انگیزش و نگرش در تعلیم و تربیت، به دلیل ارتباط مؤثر آن با یادگیری دارای اهمیت بسیاری است (Pintrich, 2007). بنابراین باید تلاش‌های مربوط به تغییر نگرش‌ها را هدایت کرد. پس نخست باید نگرش و به دنبال آن رفتار را تغییر داد (Ahadian&aghazadeh, 2007). آلپورت یک نگرش را یک حالت روانی - عصبی - آمادگی، می‌داند که از طریق تجربه سازمان یافته با تأثیری هدایتی و پویا بر پاسخ‌های فرد، در برابر کلیه پدیده‌ها و موقعیت‌ها ظهور می‌کند (karimi, 2001). همچنین انگیزش پیشرفت تحصیلی به رفتارهایی اطلاق می‌شود که منجر به یادگیری و پیشرفت می‌گردد (Masaali, 2007) بنابراین نتایج مطالعه‌ای که در هنگ‌کنگ صورت گرفت، نگرش و انگیزش

دو عامل مهمی بودند که دانشجویان موفق را از دانشجویان ناموفق متمایز می‌ساختند (Yip MCW, 2007). پس در این راستا، دانشگاه‌ها وظیفه خود می‌دانند که در برنامه‌های آموزشی و درسی به توانایی‌ها و علاقه‌های دانشجویان توجه کنند و از راه فعالیت‌های ثمربخشی که در برنامه‌های آموزشی و درسی خود گنجانده‌اند، راه را برای نگرش‌های مطلوب هموار نمایند (Parvand, 2002). چرا که این نگرش‌ها هستند که یادگیری عمیق دانش را به دنبال خواهند داشت. ارائه دهندگان دیدگاه یادگیری اجتماعی نیز اهمیت تأثیر نگرش به محتوای درسی را با پرسش‌های زیر بیان کرده‌اند: ۱ - آیا آنچه تعلیم داده می‌شود، یعنی محتوای درسی، برای فرد مهم است؟ ۲ - آیا فرد معتقد است مطالبی که می‌آموزد، یعنی محتوای درسی، مفید است؟ (saadat, 1997). اسلاوین (slavin, 1899) نیز در تأیید این موضوع بیان می‌کند که یافتن زمینه‌های موضوعی مناسب یعنی محتوای درسی مناسب و مرتبط با آموخته‌های پیشین، از جمله راهبردهای است که در طراحی مدیریت واحدهای آموزشی باید از پیش در نظر گرفته شود.

همچنین پژوهش‌ها نشان داده است که منبع ارتباط یا فرستنده پیام (معلم) در شرایطی می‌تواند کارآمدتر باشد که: (۱) قابلیت پذیرش بالایی نزد دانش‌آموز داشته باشد. چند عامل می‌تواند قابلیت پذیرش را افزایش دهد. از جمله: تخصص، تشخیص، ویژگی‌های ظاهری مناسب با موضوع پیام و دوست داشتن فرستنده پیام توسط گیرنده آن. همچنین اگر فرستنده پیام درصد متقاعد سازی گیرنده پیام نباشد تأثیر پیام او افزایش می‌یابد (ourenson, 1998). (۳) اگر فرستنده پیام، علیه موضع خود صحبت کند یا لاقلاً از پیام خود سودی نبرد، تأثیر پیام او افزایش می‌یابد. (tixon&Ect, 1990). بنابراین، معلمانی بیشتر پیامشان نفوذ دارد که در راستای موضع و منافع خودشان نباشد. ابراز علاقه منجر به علاقه بیشتر می‌شود و اگر مورد علاقه کسی قرار گیریم که با ما اختلاف عقیده دارد، علاقمندی بیشتری را بر می‌انگیزد (ourenson, 1998). همچنین تحقیقات سیلور و همکارش (A.A., & Silver, 1990) و (Noddings, 1984) به اهمیت توسعه مهربانی و ارتباط معلمان و

در دانشگاه تنگ (tang) در شمال شرقی آمریکا نیز که ۳۵۰۰ دانشجوی را به عنوان نمونه انتخاب نمودند، نتایج حاصل نشان دهنده این بود که ۱۲ عامل برآورد شده از جمله مواد آموزشی واضح، میزان و کیفیت پاسخ‌گویی استاد به سؤالات دانشجویان، برخورد مؤدبانه استاد با دانشجویان، داشتن رفتار حرفه‌ای استاد، داشتن تسلط به موضوع درس، داشتن انتظارات بالا و غیره، موجبات نگرش مثبت و در نتیجه یادگیری موثر آنها شده است. پاشرفی و همکاران (Pasha sharifi&Ect, 2009) در مطالعه‌ای تحت عنوان «الگویی برای ایجاد علاقه و انگیزه به مطالعه و پژوهش در دانش‌آموزان» به بررسی روش‌های ایجاد علاقه و انگیزه در دانش‌آموزان پرداخته، به طرح الگویی مناسب و اثربخش در برنامه درسی اشاره کردند که هر یک موجب ایجاد علاقه و نگرش مثبت به مطالعه و پژوهش در آنها می‌شود و بر ۴ عنصر بنیادی استوار است: (۱) ویژگی‌های دانش‌آموزان، (۲) ویژگی‌های معلمان، (۳) متغیرهای جو کلاس (۴) متغیرهای آموزشی از جمله مواد و محتوای آموزشی.

سید جواد، سید رضا (sayd javad, s reza, 2003) در پژوهشی مرتبط با تأثیر نگرش یادگیرنده به معلم و محتوای درسی به این نتایج رسید که: ۱ - محتوای درس‌ها به یادگیری دانشجویان کمک می‌نماید، در حالی که عدم انطباق درس‌ها با نیازهای آنان از میزان یادگیری آنها می‌کاهد. ۲ - دانشجویان از تدریس استادان مجرب برانگیخته می‌شوند و این امر یادگیری آنها را افزایش می‌دهد. فتحی واجارگاه (fathi & Ajargah, 2006) در پژوهشی تحت عنوان «ارزشیابی کیفیت برنامه درسی دانشگاهی» به این نتیجه دست یافت که برنامه درسی از دید دانش‌آموختگان باید هم از لحاظ نگرش وهم از نظر مهارتی تدریس، به خوبی تجهیز شده باشد. تحقیق سلطانی، اربابی سرچو، دهقانی خوزانی و رضایی (soltani&Etc, 2011) با هدف بررسی نگرش نسبت به علم و فناوری، علوم مدرسه‌ای و محیط زیست در بین دانش‌آموزان، نشان داد که وجود نگرش مثبت به علم و فناوری، زمینه مناسبی را برای آموزش بهتر در مدارس فراهم آورده است. همچنین در این پژوهش اشاره شده است که چنانچه محتوای تدریس جنبه عملی داشته باشد، انگیزه بیشتری را ایجاد می‌کند. در

دانش‌آموزان و نیز مراقبت تأکید کرده است. برادبورن (BRADBURN, 1969) طی پژوهشی به این نتیجه رسید که چنانچه معلم رفتاری دوستانه داشته باشد، موجب فعال‌تر شدن دانش‌آموزان و افزایش عزت نفس آنها خواهد شد. ساعتچی (Saatchi, 2000) (با استناد به تحقیقات (ROBINS, 1961) بیان می‌کند که معلم با رفتار دوستانه با دانش‌آموزان موجب افزایش نگرش مثبت آنها به خود و افزایش فعالیت‌ها و مهارت‌های نا مطلوب آنها می‌شود. بنابراین عوامل عمده‌ای مانند استاد، دانشجو و نظام آموزشی، جدا از یکدیگر و جدا از کل جامعه نیستند و باید در ارتباط با یکدیگر در نظر گرفته شوند. هر کدام از این عوامل از دیگری متأثر می‌شوند (safari&Etc, 2010). میلر و میلر (miler&miler, 2006) برای ایجاد نگرش مثبت در دانش‌آموز نسبت به معلم بیان می‌دارند که حیثه‌های مهارتی که اثربخشی کار یک مدرس را تعیین می‌کنند عبارتند از: علم و مهارت در درس مورد آموزش، آگاهی از برنامه ریزی، ارائه و ارزیابی آموزشی، ویژگی‌های شخصی و رفتاری مؤثر در فرایند تعلیم و تربیت.

تحقیقات نسبتاً فراوانی در این زمینه انجام شده است. دیگبی و همکاران (digbi2&Etc, 1998) یکی از موجبات یادگیری را ایجاد نگرش مثبت یا اعتماد سازی در دانش‌آموزان معرفی کرده‌اند و ۴ عامل مرتبط با تدریس اثربخش جهت این یادگیری، را پس از مطالعه در نمونه‌ای متشکل از ۲۷۸۵ دانشجو در تایلند را به صورت زیر بر شمرده‌اند: روش تدریس، روابط استاد و دانشجو، مواد و محتوای درسی و بازخورد و ارزشیابی. دانشگاه سانفرانسیسکو (sunfransisco, 2005) نیز بر ایجاد نگرش مثبت یا اعتماد سازی در دانش‌آموزان تأکید نموده، در بررسی به کارگیری معیارهای تدریس اثربخشی که یادگیری عمیق و پایدار ایجاد می‌کنند، به این نتایج رسید که مؤلفه‌های زیر موجبات این نگرش و به دنبال آن یادگیری مطلوب می‌گردند: ۱ - سازماندهی محتوای دانش و مواد درسی، ۲ - مهارت‌های ارتباطی و روابط انسانی آشکار معلم با دانشجویان. همچنین در بررسی عوامل مرتبط با تدریس اثربخش منجر به یادگیری اصیل و پایدار،

شود، بر روی نگرش دانش‌آموزان تأثیر قابل ملاحظه‌ای خواهد داشت. همچنین پژوهش‌ها نشان داده‌اند که نگرش مثبت و اعتماد نقش مهمی در تصمیم‌گیری روند یادگیری (Tsfati, 2003) و درک رفتار انسان دارد (labeh, 2003). مثلاً هنگامی که یک دانش‌آموز احساس کند که مربی علاقه صادقانه‌ای جهت رفاه حال او و کمک به او دارد، یک کاتالیزور بسیار عالی برای عملکرد آموزش عالی و کمک به دانش‌ارائه شده است (Govindarajan, 1991). جعفر زاده و همکاران (Jafarzadeh&Etc,2010) در تحقیقی با عنوان استعداد‌های درخشان دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان در مورد عوامل انگیزشی مؤثر بر موفقیت و پیشرفت تحصیلی ایشان به این نتیجه رسیدند که برقراری ارتباط و اعتماد دانشجو با استاد باعث افزایش اعتماد به نفس و انگیزه یادگیری در دانشجو می‌گردد. مایکل دابلیو کوریگن و پل ای چاپمن (maicel w gorikan&Etc. 2008) در یک پژوهش اعتماد دانش‌آموزان به معلمان را یک عنصر ایجاد انگیزه برای یادگیری دانستند و با مطالعه ۲۰۰ دانشجو، به این نتایج رسیدند: ۱ - بین اعتماد دانش‌آموزان به معلمان و انگیزه برای یادگیری ارتباط مستقیم وجود دارد. ۲ - بین انگیزش برای یادگیری و توانمند سازی یادگیرنده ارتباط مستقیم وجود دارد. رضا همتی و دکتر بهجت یزدخواستی (Reza hemati &Etc, 2009) نیز در پژوهشی مرتبط با نگرش و اعتماد دانش‌آموزان به معلمان، به این نتایج دست یافتند که دلایل اعتماد و بی‌اعتمادی بین دانش‌آموزان و معلمان، بیشتر متأثر از الگوهای ارتباطی، توانایی شیوه مدیریت کلاس و شیوه‌های تدریس معلم است. در این راستا، پژوهشگرانی از Halivood به نام‌های ware, naftulin و donnelly در یک پژوهش مشترک به این نتیجه رسیدند که نگاه خوشبینانه دانشجویان به استاد، متأثر از جذابیت حاصل از ویژگی‌های معلم است و همه تحت تأثیر اغواگری‌های استاد بودند نه محتوای سخنرانی. بنابراین یکی از راه‌های جذب و ایجاد اعتماد، سخنرانی‌های با آب و تاب است (sayf, 2008). سیف (sayf, 2008) محقق و استاد دانشگاه نیز در یک پژوهش به این نتیجه رسید که ارزشیابی شاگردان بیشتر متأثر از طرز عمل و روش کار معلمان است.

تحقیق حسین زاده (hosynzadeh, 2009) که به منظور بررسی اثر بخشی برنامه‌های درسی بر ارتقای سطح دانش، نگرش و مهارت‌های دانشجویان انجام شد، این نتیجه به دست آمد که واحدهای ارائه شده (محتوای تدریس)، به دانشجویان در رشته‌های مختلف باعث ایجاد نگرش و مهارت‌های متفاوت در آنها شده است. به طوری که این تغییرات در رشته آموزش ابتدایی در مقایسه با سایر رشته‌ها با توجه به ارائه حجم وسیعی از واحدهای درسی دروس تربیتی، بیشتر بوده است. همچنین اسرار و همکاران (asrar&etc, 2011) عقیده دارند که ارائه محتوای دقیق و سودمند، یکی از اساسی‌ترین موضوعات مطرح در آموزش کشورها است.

در باب محتوای درسی، (Kamrul Hasan M, 2004) در پژوهشی که در دبیرستان‌های بنگلادش انجام گرفت، چنین نتیجه گرفته شد که عواملی چون در دسترس نبودن مواد آموزشی، کم توجهی به وجود اشکال در کتاب‌های درسی از مهمترین دلایل عدم موفقیت در مهارت رسیدن به اهداف و معیارهای تعیین شده است. در تحقیقی که توسط عارفی، رحمانی و صفایی (arefi &etc. 2010) به منظور بررسی رابطه عناصر و ابعاد فرهنگ مدرسه با انگیزه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان انجام گرفت، این نتیجه حاصل شد که ابعاد فرهنگ مدرسه قدرت پیش‌بینی‌کنندگی انگیزه پیشرفت را دارد و بیشترین پیش‌بینی‌کننده انگیزه پیشرفت دانش‌آموزان، نگرش به تحصیل، نگرش به معلم و محیط فیزیکی بوده است. در این پژوهش آمده است که معلمان باورهای خود پیرامون اهمیت پیشرفت و انگیزه بخشیدن به ایجاد اشتیاق برای یادگیری را به دانش‌آموزان القا می‌کنند. همچنین در تحقیقی که (vitangi&dirango,2005) در دانشگاهی در کنیا انجام داده‌اند، مؤلفه‌های ارائه آموزش توسط معلم، محتوا یا ماده درسی و نگرش‌های فردی یادگیرندگان مورد توجه قرار گرفته است. (Papanastasiou, C.2002) در پژوهشی در ارتباط با نگرش دانش‌آموزان نسبت به معلم، به این نتایج رسید که از میان عوامل مؤثر، تدریس معلم، بیشترین تأثیر را بر نگرش دانش‌آموزان داشته است که اگر در برنامه‌های درسی به روش‌های تدریس به شکل صحیح و علمی توجه

مجزا نشستند و از هر گونه تماس کلامی منع شدند. در طول اجرای این پژوهش، معلمان مدرسه با اشتیاق همکاری نمودند. پس از آن فیلم آموزشی چشم، نمایش داده شد. ابتدا توسط هر یک از دانش‌آموزان فرم نظر خواهی کامل گردید. تکمیل این فرم به منظور اطمینان از متفاوت بودن نگرش‌های آنها انجام شد و بلافاصله پس از آن، به منظور آگاهی از میزان یادگیری آنها، پس از آزمون به عمل آمد. پس از بررسی فرم‌های نظر خواهی، معلوم شد که محقق به هدف خود مبنی بر القای نگرش‌های متفاوت در دانش‌آموزان رسیده بود. بعد از آن، نمرات پیش آزمون و پس آزمون گروه‌ها بررسی شده، میزان یادگیری آنها از فیلم آموزشی محاسبه گردید و مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. برای تهیه سؤالات آزمون‌های معلم ساخته، از جدول دو بعدی مشخصات استفاده شد. جهت تعیین پایایی روش‌های پایایی مصحح و پایایی دو نیمه کردن مورد استفاده قرار گرفت، لذا فرض بر این است که ابزار مورد استفاده از روایی و پایایی لازم برخوردار بوده است.

به منظور تعیین میزان یادگیری هر گروه، اختلاف نمرات پیش آزمون و پس آزمون گروه آزمایش و گروه کنترل هر آزمایش، به دست آورده شد. سپس میانگین نمره‌های یادگیری، برای هر گروه در هر آزمایش محاسبه گردید و سر انجام آزمون تی برای مقایسه میانگین نمرات یادگیری گروه‌های کنترل و آزمایش هر آزمایش، مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

آزمایش فرضیه اول: یادگیری دانش‌آموزان با نگرش مثبت در مقایسه با دانش‌آموزان با نگرش منفی، به مهارت‌های معلمی معلم خود، چگونه است؟

با توجه به جدول شماره ۲ و با مقایسه میانگین میزان یادگیری گروه با نگرش مثبت با میانگین میزان یادگیری گروه با نگرش منفی به معلم، ملاحظه می‌گردد که دانش‌آموزان دارای نگرش مثبت به معلم، پیشرفت (یادگیری) بیشتری داشته‌اند. با استفاده از آزمون تی در گروه‌های مستقل، نتیجه گرفته شد که تفاوت مشاهده شده بین نتایج به دست آمده در دو گروه معنادار است.

توان و هنس (Tawn&chens, 2004) در بررسی عوامل مؤثر بر یادگیری دانش‌آموزان بر اثر پذیرش معلمان خود بر اعتماد پذیری معلمان تأکید کرده، بیان نمودند که در صورتی که دانش‌آموزان معلمان خود را قابل اعتماد ندانند، احتمال پذیرش معلمان در نزد آنها کاهش می‌یابد. اوینداراجان (owindarajak, 1991) به دلیل وجود «رابطه» و «اعتماد» فردی معلم و دانش‌آموز است که در آن طرفین می‌توانند بر یکدیگر با یک چشم انداز مشترک برای رسیدن به موفقیت بنگرند.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع شبه تجربی آینده نگر است و از ۳ آزمایش همزمان تشکیل شده است. برای این منظور، محققان از میان ۴۲۰۰ دانش‌آموز یک منطقه، با روش خوشه‌ای تصادفی، مدرسه ۲۵۰ نفری را انتخاب و از دانش‌آموزان آن به روش تصادفی ۱۲۰ نفر را انتخاب نموده‌اند. تعیین حجم نمونه از طریق فرمول کوکران و همچنین جدول مورگان صورت گرفت. این آموزشگاه در کنار رودخانه کر در ۴۵ کیلومتری شهر شیراز قرار دارد. برای انجام این پژوهش دانش‌آموزان به ۶ گروه ۲۰ نفره تقسیم شدند. تقسیم بندی آنها به طور تصادفی صورت گرفت. سپس هر ۲ گروه در یک آزمایش قرار داده شد. محقق قصد داشت به همه گروه‌ها یک مطلب درسی واحد، جدید و توسط یک معلم واحد را آموزش دهد. برای این منظور، یک فیلم آموزشی در رابطه با چشم در نظر گرفته شد. در ابتدا به منظور تعیین آموخته‌های قبلی دانش‌آموزان از همه آنها در شرایط یکسان پیش آزمون به عمل آمد. سپس به طور تصادفی در هر آزمایش دو گروه قرار گرفتند. هر گروه از هر آزمایش در یک اتاق درس قرار گرفتند. به منظور ایجاد نگرش‌های متفاوت و مخالف در مورد معلم و محتوای درسی فیلم، پژوهشگر به هر کدام از گروه‌های آزمایش جملات خاصی را متذکر می‌شد و نگرش خاصی را القا می‌کرد.

برخی از این جمله‌ها در جدول شماره ۱ آورده شده است.

پس از آن، تمام گروه‌ها به نوبت به سالن آمفی تئاتر هدایت شدند و با فاصله از گروه‌های دیگر و در ردیف‌های

آزمایش فرضیه دوم: یادگیری دانش‌آموزان با نگرش مثبت در مقایسه با دانش‌آموزان با نگرش منفی، به محتوای کتاب درسی خود، چگونه است؟

جدول ۱ - یادگیری دانش‌آموزان با نگرش مثبت در مقایسه با دانش‌آموزان با نگرش منفی، به محتوای کتاب درسی

نام آزمایش	جمله بیان شده به گروه کنترل	نگرش تلقین شده به گروه کنترل	جمله بیان شده به گروه آزمایش	نگرش تلقین شده به گروه آزمایش
الف: نگرش به معلم	معلم بسیار ماهر و دارای اطلاعات علمی بسیار است.	مثبت	معلم دارای مهارت پایین و اطلاعات علمی اندک است.	منفی
ب: نگرش به محتوا	محتوای انتخاب شده بسیار مفید و جذاب است.	مثبت	محتوای انتخاب شده غیر مفید و خسته کننده است.	منفی
ت: نگرش به معلم و به محتوا	معلم بسیار ماهر و دارای اطلاعات علمی بسیار و محتوای انتخاب شده بسیار مفید و جذاب است.	مثبت	معلم دارای مهارت پایین و اطلاعات علمی اندک و محتوای انتخاب شده غیر مفید و خسته کننده = است.	منفی

جدول ۲ - نتایج بررسی یادگیری دانش‌آموزان با نگرش مثبت در مقایسه با دانش‌آموزان با نگرش منفی، به مهارت‌های

معلمی

گروه با نگرش	تعداد	میانگین پیشرفت (یادگیری)	انحراف استاندارد	مقدار t	درجه آزادی	معناداری
مثبت	۲۰	۲	۳۵	۴/۴۱	۳۸	۰/۰۵

جدول ۳ - نتایج بررسی یادگیری دانش‌آموزان با نگرش مثبت در مقایسه با دانش‌آموزان با نگرش منفی، به محتوای کتاب

درسی

نوع نگرش	تعداد	میانگین پیشرفت (یادگیری)	انحراف استاندارد	مقدار t	درجه آزادی	معناداری
مثبت	۲۰	۱/۴۴	۱۳۲/۷۶	۲/۲۲	۳۸	۰/۰۵

جدول ۴ - نتایج بررسی یادگیری دانش‌آموزان با نگرش مثبت در مقایسه با دانش‌آموزان با نگرش منفی، به مهارت‌های

معلمی و محتوای کتاب درسی

نوع نگرش	تعداد	میانگین پیشرفت (یادگیری)	انحراف استاندارد	مقدار t	درجه آزادی	معناداری
مثبت	۲۰	۱/۸	۷۸/۳۶	۴/۴۷	۳۸	۰/۰۵

با استفاده از آزمون تی در گروه‌های مستقل، معلوم شد که تفاوت مشاهده شده بین نتایج به دست آمده در دو گروه معنادار است.

بحث و نتیجه‌گیری

۱ - با توجه به تجزیه و تحلیل نتایج به دست آمده از فرضیه اول، یعنی مقایسه یادگیری حاصل از نگرش مثبت به معلم، نسبت به نگرش منفی به معلم و همچنین پژوهش‌های (arefi & etc. 2010)، (papanastasis, 2002)، (maicel w, (jafarzade&Etc, 2009)، (owindarajak, 1991) (gorikan&Etc. 2008)، و نیز محققانی از جمله (Reza (sayf, 2008, hemati & Etc, 2009) و (tawn&hens, 2004)، این نتیجه کلی حاصل می‌گردد که نگرش مثبت دانش‌آموز به معلم باعث یادگیری بیشتری در آنها می‌شود.

- نتایج به دست آمده از فرضیه سوم مبنی بر مقایسه یادگیری حاصل از نگرش مثبت به محتوای درسی و معلم، نسبت به نگرش منفی به معلم و محتوای درسی و همچنین پژوهش‌های (sunfransisc university, digbi2&Etc,1998)

با توجه به جدول شماره ۳ و با مقایسه میانگین میزان یادگیری گروه با نگرش مثبت با میانگین میزان یادگیری گروه با نگرش منفی به محتوای درسی، ملاحظه می‌گردد که دانش‌آموزان دارای نگرش مثبت به محتوای درسی، پیشرفت (یادگیری) بیشتری داشته‌اند. با استفاده از آزمون تی در گروه‌های مستقل نتیجه گرفته شد که تفاوت مشاهده شده بین نتایج به دست آمده در دو گروه معنادار است.

آزمایش فرضیه سوم: یادگیری دانش‌آموزان با نگرش مثبت در مقایسه با دانش‌آموزان با نگرش منفی، به مهارت‌های معلمی معلم خود و محتوای کتاب درسی خود، چگونه است؟

با توجه به جدول شماره ۴ و با مقایسه میانگین میزان یادگیری گروه با نگرش مثبت با میانگین میزان یادگیری گروه با نگرش منفی به معلم و محتوای درسی، ملاحظه می‌گردد که دانش‌آموزان دارای نگرش مثبت، پیشرفت (یادگیری) بیشتری داشته‌اند.

University, Mazandaran province. Journal of Research in Educational Sciences. 2010, 1 (22) :1-20

Calderhead, J. (1996). Teachers, beliefs, and knowledge. In D. C. Berliner & R. C. Calfee (Eds.)

Chesebro, J. L., & McCroskey, J. C. (2001). The relationship of teacher clarity and immediacy with student state receiver apprehension, affect, and cognitive learning. *Communication Education*, 50, 59-68

Carlson, T. B., & Hastie, P. A. (1997). The student social system with. sport education. *Journal of Teaching in Physical Education*, 16, 176-195.

Claxton, G. (Ed.). (1996). *Liberating the learner*. New York: Routledge.

Driscoll, M. (2000). *Psychology Of Learning For Instruction*. Needham

Heights, MA, Allyn & Bac. On.

Delaware, A., (2007), research methods, publisher of Payam Noor, Tehran.

Fathi Azar Eskandar. (2006), *Teaching Methods and Techniques*, Second Edition, Tabriz University, Tabriz .

Fathy Vajargah, Shafiee, K. and N., (2006). Evaluation of quality academic curriculum, the Association of Iranian Studies curriculum, the second year, the fifth issue.

Frymier, A. B., & Houser, M. L. (2000). The teacher-student relationship as an interpersonal relationship. *Communication Education*, 49, 207-219 .

Frank, M. L. (1990). What myths about mathematics are held and conveyed by teachers *Arithmetic Teacher*, 37(5), 10-12.

Frymier, A. B. (1994). The use of affinity-seeking in producing liking and learning in the classroom. *Journal of Applied Communication Research*, 22, 87-105

Frymier, A. B., & Thompson, C. A. (1992). Received teacher affinity- seeking in relation to

(2005) و نیز با توجه به تحقیقات دیگر از جمله (Pashasharifi&Ect, 2009) ، (sayd javad,s reza,2003) ،

(vitangi&dirango,2005) ، این نتیجه کلی را حاصل می‌شود که نگرش مثبت دانش‌آموز به معلم و محتوای درسی، باعث یادگیری بیشتری در آنها می‌شود.

در پایان، با توجه به جدید بودن چنین پژوهشی و عنایت به این که در مدارس، فعالیت‌ها در جهت معرفی ویژگی‌های مثبت معلم و نیز خصوصیات محتوای درسی انجام نمی‌شود، به مسؤولان آموزش و پرورش پیشنهاد می‌گردد که همواره شرایطی را ایجاد نمایند که به وسیله آن بتوان در دانش‌آموزان نسبت به معلم و محتوای درسی نگرش مثبت ایجاد کرد و به پژوهشگران دیگر نیز پیشنهاد می‌شود تا جهت رسیدن به دلایل تأثیر نگرش مثبت در یادگیری دانش‌آموزان پژوهش‌های بیشتری انجام دهند.

منابع

Abdollah Jafarzadeh, R Sajjad, Rzabty M., (2010). The students in honors and gifted of Rafsanjan University of Medical Scienc esmotivational factors influencing their success and academic chievement, *Journal of Nursing No. 41* .

Ahadi an, Mohamad and Moharram Aghazadeh, (2007). *Guide for new methods of teaching and learning Training*, ayzh Publications, Tehran .

Asrar, Z. and A. Tavakoli. (2011), content analysis of biology textbooks

Aref M., Rahmani Jahanbakhsh, S. Safaei. Relationship of elements and dimensions of school culture on student achievement and motivation Mobarakeh city guides. *Journal of Research in Educational Sciences*. 2011, 1 (27) :101-116 Pasha Sharif

Bradburn,N.M.(1969).THE STRUCTUR of psychological well-being. Chicago:Aldin publishing company

Babak Hosseinzadeh. Training courses on curriculum effectiveness in improving knowledge, attitudes and skills to students at Islamic Azad

- Masaali S. Relationship between reading study and academic achievement among students in IU. [Dissertation]. Isfahan: Khorasgan Slamic Azad University. 2007. [Persian].
- Moayeri, Mohammad Taher. (2001), Education Issues, Tenth Edition, Amir Kabir Publications, Tehran.
- Michael W.. Kvyrgn a Vpl Vmarshal Chapman, (2008). Trust in teacher. A motivating element.
- McNergney, R., & Keller, C. (1999). Appendix. Some effective teachers' actions. In R.
- Nel, J. (1992). Preservice teacher resistance to diversity: Need to reconsider instructional methodologies. *Journal of Instructional Psychology*, 19, 23-27.
- Noddings, N. (1984). *Caring: A feminine approach to ethics and moral education*. Berkeley CA: University of California Press.
- Jackson, F. R. (1994). Seven strategies to support a culturally sensitive pedagogy. *Journal of Reading*, 37, 298-304.
- Pianata, R. C. (1999). *Enhancing relationships between children and teachers*. Washington, DC American Psychological Association.
- Parvand, MH, (2002). *Educational planning and curriculum arrangements*, rpublishing shiveh, Tehran.
- Papanastasiou, C. (2002). *School, Teaching and family influence on student Attitude to ward Science: Based on "TIMSS" Data for cypras*. Studies Eductional Evaluation.
- Pintrich P, Shonk D. *Angizesh dar taalim va tarbieyat (Motivation in education)*. Translated by: Shahraray M. Tehran: Elm; 2007.
- Richardson, V. (1996). The roles of attitudes and beliefs in learning to teach. In J. Sikula, T. J.
- Richardson, V. (1999). Teacher education and the construction of meaning. In G. Griffin (Ed
- perceived teacher credibility. *Communication Education*, 41, 388-399.
- Fulton, K. (1989). Technology training for teachers: A federal perspective. *Educational Technology*, 29(3), 12-17.
- Goodlad, J. (1990). *Teachers for our nation's schools*. San Francisco, CA: Jossey-Bass Innovations, No. 25, year 7.
- Gardner, H. (1997). Teaching for multiple intelligences. *Educational Leadership*, 55(1). New York: Basic Books.
- Gorham, J., & Christophel, D. M. (1990). The relationship of teachers' use of humor in the classroom to immediacy and student learning. *Communication Education*, 39, 46-62.
- Govindarajan, G. (1991). Enhancing oral communication between teachers and students, *Education*, 112, 183-186. Gewertz, C. (2002). Trusting school community linked to student gains. *Education Week*, 22, 8-9.
- Handler, M. G. (1993). Preparing new teachers to use computer technology: Perceptions and suggestions for teacher educators. *Computers in Education*, 20(2), 147-156.
- Hassanzadeh, R., (2009), *research methods*, Savalan publication, Tehran.
- Helms, J. E. (1994). Racial identity in the school environment. In P. Pedersen, & J. Carey (Eds.)
- Hassan, A. Rezai and gh, A (2009). *Template for creating interest and motivation to study and research in2007*. Quarterly Educational
- Kamrul Hasan M. (2004). *Alinguistic study of English language Curriculum at the secondary level in Bangladesh India*.
- Larson, A.A., & Silverman, S. (2000). A description of caring behaviors of four physical education teachers. Paper presented at the annual meeting of the American Educational Research Association, New Orleans.

through developmental discipline. San Francisco: Jossey-Bass.

–Yip MCW. Differences in learning and strategies between high and low achieving university students: a Hong Kong study. *Educational Psychol* 2007; 27(5): 597-606.

Zimmerman, B. J. (1990). Self regulated learning and academic achievement. *American Educational Research Journal*, 25, 3.

The education of teachers (pp.145-166). Chicago: The University of Chicago Press,(

Robins,M., FRANCIS,L.J(1996).Are religious people happier:A studyamong undergraduates,in L,J.Francis W.K.KAY& W.S.CCampbel(eds).reserch in education (pp.207-217).Leominster:Gracewing.

Slavin, Robert E., translated by Syed Mohammadi, Y., (2009). *Psychology*, rpublishing ravan, Tehran. For learning, the University of West Virginia.Saatchi, M. (2000), *Applied psychology for managers*, publishing, virayesh, Tehran,

Saadat Esfandiar, (1998). *HRM*. Tehran's Samt.

S. Jvady, SR, (2003) *Management theories*. Complementary Sanjesh.

S. Jvady, SR, (2003). *Factors attitudes learning*, Tehran.

Soltani, A., Azizullah Srjv lordship,D . Khouzani Azam, M. Rezaei. Third, students' attitudes towards science and technology city, school, and environmental sciences. *Journal of research in Educational Sciences* .2011, 2 (30) :73-83.

Saif, A., (2008), *methods*, Journal, Publication of Tehran.

Safari. D., F, Delaram M, P.N, (2010). Factors influencing the academic achievement of the students and faculty of Nursing and Midwifery, Shahrekord University of Medical Sciences in 2005. *Journal of Medical Sciences, Shahrekord*. Number 9 (3).

Tsfati, Y. (2003). Do people watch what they do not trust? *Communication Research*, 30, 504-530.

Wanzer, M. B., & Frymier, A. B. (1999). The relationship between student perceptions of instructor humor and student's report of learning. *Communication Education*, 48, 48-62.

Watson, M. (2003). *Learning to trust: Transforming difficult elementary classrooms*